

بی اعتنائی عظیم به حقوق ملت ایران

دعوای بانک ملت

در موافقتنامه ژنو

امیرفیض- حقوقدان

امروز خبری منتشر شده که در رابطه با موافقت نامه ژنو و همچنین موافق نامه اجرایی بسیار حائز اهمیت در جهت ایجاد معضلات و پایمال شدن حقوق ایران است -

خبر این است

دولت انگلستان (یکی از اعضای ۵+۱)، که بانک ملت جمهوری اسلامی را در سال ۲۰۰۹ تحریم کرده بود، وکیل بانک ملت به دادگاه عالی بریتانیا شکایت میکند، دادگاه عالی بریتانیا که صلاحیت رسیدگی به این قبیل دعوای رادارد در تاریخ ۱۹ ژوئن ۲۰۱۳ حکم میدهد که تصمیم دولت بریتانیا به تحریم بانک ملت، بی پایه - غیر منطقی و نا متناسب است. بانک ملت به اعتبار همین حکم، مطالبه ۵۰۰ میلیون پوند خسارت از دولت انگلستان کرده است. وکیل بانک ملت که یک انگلیسی است گفته که ۸ شرکت و بانک دیگر نیز در موقعیت مشابهی اقامه دعوا کرده اند.

مقامات آمریکائی در رابطه با تصمیم دادگاه عالی بریتانیا اعلام کردند که طبق توافقنامه ژنو فعلا تحریم ها ی بانک برجای خود باقی است.

بی توجهی عظیم به حقوق ملت ایران

چنانکه ملاحظه میشود در تاریخ تنظیم موافقتنامه ژنو، جمهوری اسلامی از حکم دادگاه عالی بریتانیا دادر بر ابطال تحریم بانک ملت، دقیقا آگاه بوده است، زیرا حکم دادگاه حدود یکسال قبل از موافقتنامه ژنو صادر شده است و اداره حقوقی وزارت امور خارجه ممکن نبوده که از جریان حکم دادگاه بی اطلاع بوده باشد.

در اینصورت چرا باید وزارت خارجه جمهوری اسلامی برای تمامی تحریمات اتحادیه کشورهای اروپائی و از جمله انگلستان قائل به حقانیت بشود و به ادامه آنها در تعهد جمهوری اسلامی امضا بدهد؟

حقیقتا چنین بی توجهی از یک مسنول حقوقی طرف موافقتنامه ژنو از عجائب است، اگر باب بی توجهی گشوده نشود باب همکاری با ۵+۱ در تضییع حقوق مسلم ایران حتمی است.

مستند حکم دادگاه

از آنجا که حکم دادگاه باید مستند باشد لذا، استدلال دادگاه عالی بریتانیا، در حکم بسیار قابل اهمیت است. مستند دادگاه بریتانیا در حکم مزبور بر این سه کلمه مستقراست <تصمیم دولت بریتانیا بر تحریم بانک ملت بی پایه - غیر منطقی - نامناسب است>.

بار حقوقی کلمه بی پایه و غیر منطقی، رساگر این است که نه در قانون در رابطه با اتحادیه اروپا و الزامات بریتانیا عمل تحریم بانک ملت از سوی انگلستان پایه حقوقی دارد و نه در عرف قضائی و دولتمداری انگلستان که بر اساس منطق عرفی جریان دارد چنین حقی برای دولت انگلستان منظور است.

مقصود از متناسب نبودن تصمیم دولت انگلستان بر تحریم بانک ملت میتواند، باین برداشت همراه گردد؛ از آنجا که تناسب مجازات ها با دادگاه است نه باقوه مجریه یعنی دولت، لذا دولت بریتانیا حق نداشته که سرخود، به مجازات تحریم بانک ملت مبادرت کند، درحالیکه در قوانین عرفی بریتانیا اشاره ای برای تحریم کشورها وجود ندارد.^۱

تأثیرات این بی توجهی عظیم

۱- واکنش آمریکا، یک واکنش حقوقی و به این مفهوم است که بعد از صدور حکم دادگاه بریتانیا، موافقتنامه ژنو که جمهوری اسلامی تمام تحریم های یکطرفه آمریکا و اتحادیه اروپا را تانید و آنها را شامل موافقتنامه دانسته از سوی جمهوری اسلامی امضا شده است، و این به معنای اعراض (روی گرداندن) از حکم دادگاه بریتانیا و برگشت به موضع مقرر در موافقتنامه است و در یک عبارت کلی حکم دادگاه بریتانیا تاثیری در موافقتنامه ژنو ندارد.

۲- موافقتنامه اجرائی که پیامد موافقتنامه ژنو به امضای جمهوری اسلامی رسیده تانید مجددی است بر اسقاط حقی که دادگاه بریتانیا برای بانک ملت جمهوری اسلامی قائل شده است.

مطلب مزبور یک امر عادی در مراتب اجرائی حکم دادگاه هاست به این معنا که پس از صدور حکم دادگاه برحقانیت یک طرف، طرفین دعوای بطریق دیگری مصالحه و توافق مینمایند و درحقیقت حکم دادگاه، کان لم یکن (بکلی باطل و از بین رفته) تلقی میشود، درست همین عملی که جمهوری اسلامی بعد از صدور حکم دادگاه بوسیله موافقتنامه ژنو انجام داده اند.

۳- نمیتوان گفت که دعوای خسارت ۵۰۰ میلیون پوند جمهوری اسلامی از انگلستان، با امضای موافقتنامه ژنو غیرقابل طرح خواهد بود ولی بطور مسلم اقدامات نسنجیده جمهوری اسلامی در بی ارتباط گرفتن حکم دادگاه با موافقتنامه ژنو، مشکلات بسیار بزرگی را در مقابل مطالبه خسارت وارد خواهد ساخت.

^۱ - توجه لازم میبذول بدارید که در انگلستان قوانین تنظیم شده از پیش ثبت شده ای وجود ندارد و بر اساس عرف و روند وقایع است که پس از صادر شدن حکم دادگاه بصورت عرف به کتاب و آرشیو ها نوشته میشود که بنیاد مورد مشابه در آینده خواهد بود. ح-ک

به عبارت دیگر، مطالبه خسارت از تبعات حکم دادگاه است وقتی حکم دادگاه بر اثر توافق طرفین متوقف و کان لم یکن می‌شود، خسارات حکم (۵۰۰ میلیون پوند) هم به اعتبار همان حکم کان لم یکن می‌شود، مگر اینکه نسبت به خسارات و تبعات منضم به حکم تصمیم دیگری در توافق منظور شود که میدانیم چنین چیزی در توافق نامه ژنو وجود ندارد.

۴- وکیل انگلیسی بانک ملت خبر داده که چند بانک و شرکت مشمول تحریمات اتحادیه اروپا، در مقام اقدامات حقوقی در مسیر دعوای بانک ملت می‌باشند.

از آنجا که موافقتنامه ژنو قبل از طرح شکایات و بطور حتم قبل از صدور حکم دادگاه بریتانیا به امضای جمهوری اسلامی یعنی خواهان دعوا رسیده است، دعوای آنها بطور حتم با مزاحمت موافقتنامه ژنو که جمهوری اسلامی به تمام تحریمات حقانیت داده برخورد خواهد کرد.

۵- قضیه روشن و کمتر از ابهام است. دولت انگلستان محکوم به بطلان تحریم علیه بانک ملت جمهوری اسلامی شده است. نماینده همان دولت انگلستان بعنوان عضو ۱+۵، توافقنامه ای را با جمهوری اسلامی امضا می‌کند که در آن توافقنامه، جمهوری اسلامی به اقدام انگلستان در تحریم ایران حقانیت داده است و تعهداتی را عهده دار شده که در ازای آن تعهدات، ۱+۵ تحریم های علیه جمهوری اسلامی که یکی از آن تحریم ها همان تحریم بانک ملت است برداشته شود. بروشی معلوم است که چون موافقتنامه ژنو بعد از حکم دادگاه به امضای نماینده دولت انگلستان و جمهوری اسلامی رسیده است لذا موافقتنامه ژنو لااقل در مورد تحریم انگلستان علیه جمهوری اسلامی، حکم دادگاه بریتانیا را از مسیر اجرا متوقف می‌سازد.

آیا عزیمت وزیر خارجه سابق انگلستان به ایران و سرعت جمهوری اسلامی برای امضای موافقتنامه ژنو و نیز موافقت نامه اجرائی، برای بی اعتبار ساختن حکم دادگاه بریتانیا بوده است؟ و یا، خرید و بی اعتنایی جمهوری اسلامی بحقوق ملت فراهم کننده این روال بوده است؟

۶- از آنجا که موافقتنامه ژنو بتصریح در آن، غیر قابل تجزیه است، جمهوری اسلامی نمیتواند حکم دادگاه بریتانیا را مستمسک اجرا و در مقابل با موافقتنامه قرار بدهد چراکه اولاً انکار بعد از امضای موافقت نامه ژنو چه از باب جهل به موضوع و یا اکراه، بعد از امضای موافقتنامه اجرائی که به فاصله کوتاهی امضاشده غیر قابل قبول و مسموع است و دوم اینکه مقاومت جمهوری اسلامی وتوسل به حکم دادگاه، باعث توقف اجرای موافقتنامه خواهد شد که در نهایت باعث ادامه تحریم ها و عندالاقضا تحریم های اضافی میشود و این همان چیزی است که آمریکا در نهایت، خواستار و جمهوری اسلامی بینهایت از آن وحشت دارد.^۲

^۲ - آیا تاخیر در اعلام حکم دادگاه بریتانیا و موکول شدن آن به پس از امضای موافقتنامه ژنو یک امر اتفاقی بوده است، یا با تفاهم و همفکری و یا فشار مقامات حقوقی آمریکا صورت گرفته است؟ عدم همکاری ارگان های جمهوری اسلامی و کانالیزه نبودن سیاست ها و مراتب حقوقی مبتلابه در رژیم اسلامی چیزی است که سالهای درازی به ضرر ملت ایران بوده است و این مورد هم استثنا نیست. حکم

۷- همانطور که استحضار دارید در موافقتنامه ژنو حق رجوع به دادگاه در مورد اجرای موافقتنامه عملاً از جمهوری اسلامی سلب شده است و این تزییع حق در موافقتنامه اجرائی نیز بصورتی درآمد که در نهایت کار دادگاه، به همان طرف ۱+۵ محول شده است.

بنابراین با امضای موافقتنامه از سوی جمهوری اسلامی، دادگاه صالحه برای حل اختلاف موافقتنامه ژنو طی همان مراحل است که در موافقتنامه اجرائی پیاده شده است و در واقع موافقتنامه اجرائی، صلاحیت دادگاه بریتانیا و هر دادگاهی را منتفی اعلام کرده است (رعایت اصل توافق در صلاحیت دادگاه و یا ارجاع به داور).

لذا، نه تنها حکم دادگاه بریتانیا نمیتواند معیاری برای موافقتنامه ژنو باشد بلکه درخواست مطالبه خسارت هم برای جمهوری اسلامی با مسئله عدم صلاحیت دادگاه بریتانیا مواجه خواهد شد.

۸- نظریه اینکه قالب حقوقی کشورهای عضو اتحادیه اروپا همشکلی نزدیکی بهم دارد و بهر حال حکم دادگاه بریتانیا نمیتواند در تصمیم دادگاه و دولت های عضو اتحادیه موثر نباشد، لذا حکم دادگاه بریتانیا مسیری را بوجود آورده که پیگیری آن میتواند کل تحریم های اتحادیه اروپا را از مسیر تصمیم ۱+۵ خارج سازد. کما اینکه دادگاه اتحادیه اروپا تحریم علیه ۷ شرکت نفتی و کشتیرانی و غیره را بدلیل کافی نبودن دلائل لغو کرده است. و اینجاست که اهمیت موضوع، قدرت سیاسی و اجرائی ۶ دولت بزرگ طرف جمهوری اسلامی را در موافقت نامه ژنو بکار خواهد انداخت تا از تسری حکم دادگاه بریتانیا به کشورهای دیگر خودداری شود.

۹- همانطور که در تحریرات در رابطه با موافقتنامه ژنو تشریح گردید، موافقت نامه ژنو و امضای آن از سوی جمهوری اسلامی و تائید ضمنی آن بوسیله قوه مجریه، باب بی قانونی تحمیل تمامی تحریمات ۱+۵ به جمهوری اسلامی را مسدود و آنها را واجد مشروعیت و حقایق آنها بدون قید و شرط ساخته است در صورتیکه فضای حقوقی موافقتنامه متوجه آینده و مسائل فنی گذشته بوده است و هیچ ارتباطی به جنبه های حقوقی تحریم ها و تحمیلات غیرقانونی و خودسرانه غرب که سالها هم جمهوری اسلامی در غیرقانونی بودن آنها ایستادگی کرده است نداشته است.

۱۰- یکی از طرق ارزیابی موقعیت ها و امکانات در معاملات و مذاکرات، تسری موضوع و مورد معلوم به موضوعات نامعلوم است. مانند اینکه موردی که به سود و یا امتیاز یک طرف منجر شده است در مذاکرات و موافقت میتواند زمینه ای به حساب آید برای ادامه همان امتیازات نسبت به موارد مشابه.

حکم دادگاه عالی بریتانیا یک امتیاز مسلمی برای جمهوری اسلامی است که جمهوری اسلامی آنرا به ۵۰۰ میلیون پوند برآورد کرده است.

آقای کوهن که یک شخصیت ارشد امور مالی آمریکا و عالی ترین مقام نظارت بر تحریم های علیه ایران است در وال استریت جورنال مقاله ای در رابطه با موافقت نامه ژنو نوشته که دوبرخش از آن که مورد استناد این تحریر است به اینجا آورده میشود.

کوهن میگوید:

یکم- گفته شده که ۱۰۰ میلیارد دلار پول ایران نزد آمریکا است. مبلغ مزبور تا اول سال ۲۰۱۲ بوده است از سال مزبور تا پایان سال وبهنگام موافقتنامه ژنو ۸۰ میلیارد از پول نفت ایران هم مورد مصادره آمریکا است بنابراین ۱۸۰ میلیارد دلار از پول جمهوری اسلامی در اختیار آمریکا است، نه ۱۰۰ میلیارد دلار (که هیچ وضعی هم برای تصفیه آن در میان نیست).

دوم - در مقاله کوهن آمده است که کوهن ۶۰۰ بار پرونده مالی جمهوری اسلامی را در رابطه با شرکت ها و موارد تحریم بررسی کرده است. گرچه واقعا معلوم نیست که تعداد شرکتها و اشخاص و بانکهای تحریم شده از سوی ۱+۵ آمریکا چه تعداد است ولی اگر به نوشته آقای کوهن استناد شود در این معادله رقم ۵۰۰ میلیون پوند مطالبه خسارت جمهوری اسلامی هم بعنوان یک رقم احتیاطی منظور گردد خواهیم رسید به رقمی معادل با ۳۰۰ میلیارد دلار، امتیازی است که در مذاکرات و موافقتنامه ژنو میتوانسته مبنای تصمیم و رسیدن به موافقت متعادلی قرار می‌گرفت، که حد اقل آن واریز کردن همان مبلغ ۱۰۰ میلیارد دلار اعلام شده آمریکا و یا مبلغ ۱۸۰ میلیارد دلار مورد اشاره آقای کوهن است، در پایان ۶ ماه، که ابدا کوچکترین اشاره ای در این مورد در موافقت نامه ها دیده نمیشود.

از آنجا که در موافقت نامه یک ضابطه ای برای پرداخت ۴/۲ میلیارد دلار در ۸ قسط ۶ ماهه بوجود آمده که مورد رضایت و مسرت جمهوری اسلامی هم میباشد، لذا در احتمال واریز طلب مسلم ایران به همان میزان ۱۰۰ میلیارد دلار ۱۸ سال زمان لازم خواهد بود.

بخشی از تضییع حقوق مسلم ملت ایران همین است که ملاحظه کردید.